

نهادهای مرکزی مؤثر بر طراحی، برنامه‌ریزی و احیاء شهری

پروفسور تام دیوید میور

ترجمه: نیلپر هنرور

همان طور که در شماره نخست اشاره شد، سازمان عمران و بهسازی شهری با هدف ارتقای دانش حرفه‌ای و شناساندن مسایل و مشکلات انواع بافت‌ها و امر ساماندهی و بهسازی آنها، به تشکیل جلسات بحث و گفتگو با مراکز علمی و کارشناسان داخلی و خارج کشور مبادرت ورزیده است. در شماره اول به معرفی این جلسات پرداخته شد. در این شماره، همراه با چکیده‌ای از صحبت‌های پروفسور «تام دیوید میور» سایر سخنرانی‌ها نیز معرفی می‌شوند.

پروفسور تام دیوید میور^(۱)، استاد طراحی شهری دانشگاه بیرمنگام از طریق راهنمایی پایان‌نامه‌های گروهی از دانشجویان دوره دکتری در زمینه مرمت، هنر و طراحی به ایران علاقمند شد. او به دلیل علاقه وافر به موضوعات طراحی و برنامه‌ریزی شهری، در اندک زمانی مرکز شهر تهران دوره قاجار را به مراتب بهتر از بسیاری از شهرهای کشور خود در قرن نوزدهم می‌شناخت. اما مطالعه نقشه این دوره تهران ذهنیتی نادرست برای وی پدید آورده بود که با سفری به تهران در هم فرو ریخت. چراکه اثری از آن شهری که وی از روی نقشه می‌شناخت به سختی در دل تهران امروزی یافت می‌شد. آن شهر، مقهور نیروهای اقتصادی قرن بیستم شده بود. این پدیده، مشکل عمده‌ای است که همه متخصصان - در هر کشوری باشند - با آن درگیرند. آنان ناگزیرند در مقابل فشارهای بی‌امان اجتماعی و اقتصادی که با حرکت کورکورانه خود برای دستیابی به رشد اقتصادی و فضا برای ماشینها، تاریخ کشورها را زیر قدمهای خود خرد می‌کنند، مقاومت نمایند. همه ملل درگیر این نبرد هستند، ولی هریک بنا به فرهنگ خود، شیوه‌های متفاوتی برای جنگیدن در پیش می‌گیرند. با این مقدمه، پروفسور میور به معرفی نهادهای مرکزی مؤثر در امر طراحی، برنامه‌ریزی و احیاء شهری در بریتانیا به شرح زیر پرداخت.

۱ - سازمان محیط زیست^(۲): وظیفه این نهاد نظارت بر فرایند تصویب طرحهای سراسر کشور است. این نهاد خود طرحی تهیه نمی‌کند و تنها بر طرحهای تهیه شده در دفاتر محلی نظارت دارد.

۲ - سازمان مرکزی حفاظت یا سازمان میراث انگلیسی^(۳): این سازمان به ندرت طرحی تهیه می‌کند و عموماً حفاظت یادمانهای باستانی نظیر استون‌هنج^(۴) را به عهده دارد. به عبارت دیگر، وظیفه این سازمان حفاظت از یادمانهای بسیار خاصی است که حتی شهرهای کهن و قرون وسطایی، قلعه‌ها و خانه‌های بزرگ بیلاقی را دربر نمی‌گیرد.

۳ - سازمان حفظ میراث ملی^(۵): این مؤسسه غیرانتفاعی که منابع مالی خود را از طریق عضویت عموم تأمین می‌کند با خریداری خانه‌ها و محوطه‌های بزرگ ارزشمند از یک خانه بیلاقی سیصد ساله با دویست اتاق تا باریکه‌ای ساحلی، به حفاظت از آنها می‌پردازد.

سازمان حفظ میراث ملی با خرید ساختمانهای ارزشمند و محوطه‌هایشان، مدیریت، مرمت و آبادانی کل سایت - مزرعه، زمین و باغها را به عهده می‌گیرد. این سازمان اغلب بخش کوچکی از خانه را در اختیار صاحبخانه قرار می‌دهد تا به زندگی خود در آنجا ادامه دهد. سپس مدیریتی محلی را برای سازماندهی و نگهداری ملک با استفاده از درآمد ناشی از بازدید گردشگران تعیین می‌نماید. جدای از مدیر محلی که توسط

سازمان برای اجرای برنامه کلی آن منتصب شده، اکثر نیروهای دیگر را داوطلبان تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، این ملک بصورت یک «میراث پایدار» در می‌آید. پایداری از این جهت که ملک باید نه تنها خرج نگهداری خود را تأمین کند، که باید آنقدر سود بدهد تا سازمان حفظ میراث ملی قادر به ادامه و گسترش سیاستهای خود در سرتاسر کشور باشد. بدین جهت، پیرامون هر یک از این املاک انواع نشریات، مجلات و عکسهای رنگی به فروش می‌رسد.

◆ انقلاب صنعتی و میراث آن

ما در انگلستان با پدیده غربی مواجه هستیم که شهرهایمان را از سایر شهرهای اروپایی متمایز می‌کند. این امر در مهمترین رخداد قرن نوزدهم ریشه دارد: انقلاب صنعتی. آنچه انقلاب صنعتی را از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری در خور توجه می‌کند، آن است که این انقلاب در شهرهای موجود انگلستان اتفاق نیفتاد، بلکه خود منجر به پدید آمدن شهرهای جدید گشت. از اینرو، شهرهای قرون وسطایی دست نخورده باقی ماندند و شهرهای صنعتی جدید پی‌ریزی شدند. یورک^(۶)، چستر^(۷)، واریک^(۸)، وورستر^(۹)، ناریچ^(۱۰)، لنکستر^(۱۱) همگی در قرون هفدهم و هیجدهم مراکز شهری عمده‌ای به شمار می‌رفتند. آنان اساس حکومت کشور را تشکیل می‌دادند؛ فرمانروایان آنها در لندن به مجلس راه یافتند، و بر کشور حکومت کردند. پس از انقلاب صنعتی این شهرها با شهرهای دیگری که هویتی کاملاً متفاوت داشتند جایگزین شدند: منچستر^(۱۲)، شفیلد^(۱۳)، بردفورد^(۱۴)، نیوکسل^(۱۵) و بیرمنگام^(۱۶)

در واقع، برنامه‌ها، سیاستهای فعلی برنامه‌ریزی و حتی چارچوب طراحی شهرهای امروزی، از بطن تجمع بزرگ جمعیت در این شهرها که بر مبنای بهره‌وری صنعتی و بازساخت فرهنگ صنعتی شکل گرفته بودند، برآمده است. هیچیک از این شهرها دارای هسته مرکزی متعلق به قرون وسطی یا قرن هفدهم نمی‌باشند. نه شهر محصور در دل خود دارند، نه بازاری به جای مانده از قرون وسطی. هیچکدام کلیسای جامع شکوهمندی به سبک گوتیک نظیر آنچه در شهرهای تاریخی به چشم می‌خورد ندارند. در واقع، میراث آنها همه محصول انقلاب صنعتی است: کانالهای آب، کارخانجات، انبارها و تولیدات صنعتی آن دوره. با پایین آمدن سطح تولیدات کشور و تغییر نقش آن از تولید کننده به خدمات‌رسان، کمتر شهری از میان شهرهای صنعتی مرکزیت عمده‌ای بشمار می‌آید. از آنجا که کالای مورد نیاز از کشورهای خریداری می‌شود که قادرند آن را ارزانتر از ما تولید کنند، هیچیک از این شهرها مرکز صنعتی فعالی ندارند. در واقع، صنعت آنها همان میراث آنها و بخشی از برنامه حفاظتی ماست.

بتدریج حس استقلال طلبی و غرور شدیدی در اهالی شهرهای صنعتی بوجود آمد - «غرور مدنی»^(۱۷) آنان به شهرهای خود افتخار می‌کردند و با بی‌میلی به دولت مرکزی اجازه می‌دادند تا در مدیریت و حکومت شهرشان نقشی داشته باشند. بدین ترتیب، شکل جدیدی از حکومت منطقه‌ای پدیدار شد. کشور ما همچنان زیر نظر دولت مرکزی اداره می‌شود و شهرداریها تابعی از آن به شمار می‌آیند. لیکن، حاکمیت جناح سیاسی رقیب بر شهر می‌تواند نتایج متفاوتی دربر داشته باشد: گاه به حساسیت شرایط سیاسی منجر می‌گردد و برخی اوقات همین امر می‌تواند عاملی برای عملکرد دولت مرکزی و شهرداریها باشد.

نمی‌خواهم بیش از این ادامه دهم، اما مسئله بهره‌گیری از بخش خصوصی و سرمایه آن در جهت تحقق طرحهای احیاء مرمت شهری از آنچنان اهمیتی برخوردار است که باید به آن پرداخت. در حقیقت، این مسئله در کشور ما از سیاستهای اصلی بشمار می‌آید. شهرداریها عموماً اعتبار قابل توجهی برای مداخله و اجرای طرحهای بزرگ را ندارند. قانون صرفاً به آنان اجازه مداخله در زیرساختهای شهری و مجموعه‌ها و ساختمانهای تابعه خود را می‌دهد. شهرداریها حق ندارند با پول مالیات دهندگان دست به سرمایه‌گذاری با عاقبت نامعلوم بزنند. از اینرو، برای تحقق سیاستهای مرمت و نوسازی باید راهی برای جذب سرمایه بخش خصوصی در نظر گرفته شود. مطمئناً می‌توانید تصور کنید این کار مستلزم چه مذاکرات پیچیده و حساسی است. هنگامیکه شهرداری برنامه کلی^(۱۸) شهر را تهیه می‌کند، کلیه اقدامات مرمت و احیاء در آن

پیش‌بینی می‌شوند. آنها جزئیاتی از برنامه کلی‌اند و هویت جداگانه ندارند.

طرح‌های محدوده مرمتی مذاکرات پیچیده‌تری با بخش خصوصی را در پی دارد. همانگونه که می‌دانید، مراکز تاریخی عموماً متناسب با عملکردهای شهر امروز طراحی نشده‌اند. بدین جهت، گفتگو در این خصوص توأم با احتیاط و مصالحه بیشتر است. اگر غیر از این باشد کسی حاضر به سرمایه‌گذاری نخواهد بود. لازمه تحقق طرح، انطباق اهداف مسئولان و سرمایه‌گذاران است. در نتیجه، در بسیاری موارد باید آمادگی پذیرش چیزهایی را داشت که از لحاظ حرفه‌ای و از دیدگاه برنامه‌ریزی و معماری برای ما ناخوشایند می‌باشد. باید به خاطر داشت اهداف ما تنها زمانی ارزش دارند که منطبق بر اهداف آن سرمایه‌گذارانی باشند که برای هدفهای ما سرمایه‌گذاری می‌کنند.

البته در پایان باید به مزیت مصالحه میان بخش دولتی و خصوصی هم اشاره کنم. این کار سبب می‌شود تا مردم محلی خود را در سیاست‌گذاریها سهیم بدانند و این یکی از عوامل اساسی احیاء و توسعه شهری است. برنامه باید تنظیم شود تا مردم آن را متعلق به خود بدانند، نه برنامه‌ای تحمیلی. رشد و پیشرفت بخشی از آرزوهای مردم را تشکیل می‌دهد و به منزله یکی از نیازهای آنان است. از این رو، برنامه‌ای که از بالادست یا از سوی متخصصان خیرخواه - بدون در نظر گرفتن حق اظهارنظر و انتخاب مردم - پیشنهاد شود، در نظر آنان صدقه‌ای ناخواسته است. از توجه شما سپاسگزارم.

◆ در سال ۱۳۷۹ جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ با آقای مهندس فرخ محمدزاده مهر برگزار شد. در این جلسه پیرامون تحولات طراحی شهری در دوره معاصر با مطالعه میدان توپخانه به عنوان یکی از نمونه‌های مورد ارزیابی، سخنرانی و گفتگو بعمل آمد.

◆ در زمستان سال ۱۳۷۹ در میزگردی با حضور آقایان: دکتر ماجدی، دکتر نوروزی، مهندس حمید سپهری، موضوع حقوق شهری و بهسازی و ساماندهی بافت‌های شهری مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

◆ در زمستان سال ۱۳۷۹ در میزگردی با حضور آقایان: دکتر پاکزاد، دکتر فاروقی و مهندس غمامی موضوع مدیریت شهری و بهسازی و ساماندهی بافت‌های شهری مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

پی‌نوشت‌ها :

1. Tom David Miur
2. Dept. of the Environment
3. English Heritage
4. Stonehenge
5. National Trust
6. York
7. Chester
8. Warwick
9. Worcester
10. Norwich
11. Lancaster
12. Manchester
13. Sheffield
14. Bradford
15. Newcastle
16. Birmingham
17. Civic Pride
18. Overall Plan